

## اندر باب مصاحبه پژواک با اعلیحضرت

امیر فیض- حقوقدان

گفته شده است که اعلیحضرت در سفر به کانادا سخنرانی مهمی در رابطه با رهایی ایران خواهند داشت. از این فرصت پژواک استفاده کرده و ترتیب مصاحبه ای را با اعلیحضرت زیر نام آقای رضا پهلوی داده است.

برسم معهود باب این مصاحبه گشوده میشود و به اتفاق به ملاحظاتی در درون آن خواهیم رفت.

### مطروحه های مهم در این مصاحبه

سنگینی مصاحبه متوجه موضوع سابقه دار انتظار از خارجیان برای نجات ایران بود که سالهای سال است قطب امید اعلیحضرت بوده و هست، و اخیرا این قطب امید تبدیل به تکلیف قانونی هم برای خارجیان شده است، و عجیب ترین مقام در بیاناتشان این است که به دخالت جهان در امور ایران عنوان؛ <خواستہ اصولی> داده اند. (۱)

موضوع دیگر که ابدا انتظارش نبود، تائید و حمایت توصیه نادرست و حیرت آور شورا دائر به مراجعه ایرانیان به سفارتخانه ها و دادن رای شان به سفارتخانه هاست. (۲)

موضوع دیگر- دیدگاه نیمه پخته ایشان به تجزیه ایران است. (۳)

موضوع دیگر- محرومیت اپوزیسیون از دیالگ امریکائی هاست که امری با سابقه است. (۴)

### ۱- انگ اصولی زدن به کار غیر اصولی

ضرب المثلی در زبان فارسی داریم که؛ (اگر بدهکار را روبدهیم طلبکار خواهد شد) افرادی باورهای نادرست خود را در میدان بی اعتنائی دیگران چنان میپروانند که قالب اصولی ولی تخیلی پیدا میکند، و سپس از آنها نتایج مورد نظر خودشان را استنساخ و به عمومیت و مشروعیت آن جد و جهد میکنند.

### اصولی بودن یعنی چه؟

در زندگی روزمره خاصه در محاورات و مکاتبات از واژه های «اصول» و «صولا» زیاد استفاده میشود. استفاده از این واژه ها گرچه بصورت عادت مکالماتی درآمد ولی نیت از بکار بردن آن، ایجاد اصالت و درستی به فعل و یاسخنی است که مورد نظر گوینده است، و اینجاست که خیال بصورت پرده ای بر اصول و حقیقت امر کشیده میشود.

شکسپیر! گفته است <شبهه ها و خیالات و نظرات، خائنائی هستند که مارازکارهای اصولی باز میدارند>

**چنانکه اعلیحضرت باتجاناس با خیال و نظر از اصول دور و از کارهای اصولی و قانونی بازمانده اند.**

اصول به معنای اساس ها و بیخ هاست و در علم حقوق به معنای ریشه و اساسی است که قوانین به اعتبار آن وضع شده است مثلا قانون اساسی مشروطیت ایران مبتنی بر اصولی است که قوانین موضوعه منتبع و به اعتبار آن وضع میگردد.

در هر عصری، اصولی در جوامع انسانی وجود دارد که اصول متعارف و یا موضوعه نامیده میشود یعنی جامعه، آن اصول را پذیرفته و امورات خود را وفق آن اصول جریان میدهد، و خلاف آنرا باور ندارد و مذموم می‌شمارد.

این اصول چنان ثبت در افکار و باور عمومی میشود که غل و غش پذیر نیست مانند ذم هم‌خوابگی با مادر.

باور های اعتباری که در جوامع انسانی پیاده شده همه و همه از مجرای باور اصولی مردم حرکت کرده و بصورت قانون در آمده است.

### اصل توسل به بیگانه

یکی از قدیمترین اصولی که در جامعه بشری ریشه ای کهن داشته و تا به امروز در افق باورهای انسانی دست نخورده باقی مانده ذم توسل به بیگانه و یا به حمایت از بیگانه برخاستن است فکر میکنم بحث مزبور نیاز به شواهدی داشته باشد.

### شاهد تاریخی

پس از آنکه شاه طهماسب میرزا، از کشته شدن پدرش بدست افغان ها با خبر شد در قزوین تاجگذاری کرد، و برای مبارزه با افغانه به فکر کمک از روسیه افتاد، دکتر محمود افشار در کتاب معروف خود بنام، «افغان نامه» شهادت داده که <این کار شاه طهماسب خطای بزرگی بود هیچگاه جایز نیست که از مار به افعی پناه برده شود و از خودی به بیگانه توسل جست، اشرف افغان خودی بود و تسار روس بیگانه ....>

شاه طهماسب باید این بیت حافظ را بگوش هوش میگرفت

آشنایان ره عشق گرم خورند خون ناکسم گربه شکایت سوی بیگانه برم

(مشروح درسنگر ۳۰۷)

در این شاهد تاریخی که شاهد استاد دانشگاه حقوق و محقق و تاریخ دان مشهوری است می بینید که پادشاه وقت کشور برای دفع غائله افغانه (در تطبیق جمهوری اسلامی) به تزار روس ملتجی میگردد (در تطبیق به آمریکا) و از او خواست که با نیروی نظامی دفع شر افغان ها نماید، این عمل با آنکه از ناحیه پادشاه وقت کشور شده و در آن زمان هم قانون مدون بر کشور حاکم نبوده و در واقع پادشاه قدرت مایشاء بوده است، و مسئله انتقام خون پدر، پادشاه کشور هم در میان بوده، محکوم شده است؛ زیرا که عمل شاه طهماسب، برخلاف اصول و باورهای مردم بوده است، این توجه بجاست که بزرگترین اختلاف نادرشاه، با شاه طهماسب و گرویدن مردم به نادر همین توسل شاه طهماسب به روسها بود که شاه طهماسب جوان را بکلی از چشم اعتمادی مردم انداخت.

### شاهد فرانسوی

هانری فلیپ پتن، سیاستمدار معروف فرانسوی که با درجه سرتیپی ارتش آلمان را شکست داده بود و در سال ۱۹۲۵ فرماندهی کل قوای فرانسه را بر عهده داشت و در سال ۱۹۴۰ نخست وزیر فرانسه شد، در اولین سالهای جنگ جهانی دوم نخست وزیر فرانسه بود که قرارداد تسلیم فرانسه را به

آلمان امضا کرد، فرانسویان که مصائب جنگ کمر آنها را شکسته بود از اقدام پتن نخست وزیر تجلیل کردند و از او بعنوان قهرمان محبوب فرانسه یاد کردند ولی چندی نگذشت که اصل نفرت و انزجار ملت فرانسه از همکاری نخست وزیر کشور با آلمان ها به جایگاه اصولی خود بازگشت و مارشال پتن به جرم همکاری با دشمن و کاستن از استعداد نظامی فرانسه محاکمه و به اعدام محکوم شد.

\*\*\*\*\*

این واقعه تاریخی معروف نشان میدهد که همکاری با دشمن وطن، بهر شکل و در هر شرائطی خلاف اصل بوده، و ردالت آن هیچگاه جای اصالت آنرا نخواهد گرفت. چنانکه نسبت به پتن و لاوال هم نگرفت.

اعلیحضرت هم در سالهای قبل که در مسیر باطل یعنی توسل به بیگانه قرار نگرفته بودند به اصول، پایبندی ثابتی رانشان میدادند، مقصود آنجاست که فرمودند: <در زندگی اصولی وجود دارد که تجاوز به آنها ممکن نیست>

سعدی بیتی دارد که وصف الحال مورد است میگوید:

بلی مرد آن کس است از روی تحقیق      که چون خشم ایدش باطل نگوید

متأسفانه بمناسبت رفتار زنده و شرم آور جمهوری اسلامی و از طرف دیگر عدم موفقیت در مبارزه، اعلیحضرت، در حاکمیت خشم قرار گرفته اند و لذا توسل به باطل، جای حقیقت و احترام و رعایت به اصول را گرفته است.

که شوربختانه بخش مهمی از مصاحبه مزبور در دفاع از لزوم مداخله خارجیان برای فیصله دادن به جمهوری اسلامی اختصاص یافته و امر باطل تا بدانجا رسیده که هم مداخله خارجیان در امور ایران و براندازی جمهوری اسلامی را تکلیف کشورها میدانند و هم به آن اعتبار قانونی داده اند، در حالیکه نه تنها مداخله خارجیان در امور کشورها بکل منع و از ردیف تکلیف دولتها خارج است بلکه قوانین حقوق داخلی و بین المللی هم نهی جامع و کامل در دخالت کشورها در امور کشورها دارد.

اعلیحضرت خواهند بخشید، باطل در فرمایشاتشان در رابطه با دخالت خارجیان و انتظاراتی که دارند باطل اندر باطل است، باطلی است که مبطل اعتبار و شخصیت فردی و اجتماعی ایشان است، باطلی است که با غیرت و حمیت ایرانیان معارضه دارد.

عموم جامعه شناسان ایرانی و خارجی به اتفاق عقیده بر رد و بطلان اصرار اعلیحضرت در لزوم دخالت بیگانگان در براندازی جمهوری اسلامی دارند و بغیر از دوسه نفر روزنامه نگار مزدی (قاضی سعید و شرفشاهی) کمتر دیده شده که کسی بانام و نشان و بی پروا بیگانگان را به نجات ایران ترغیب کند.

آقای دکتر کاظم ودیعی، از وزرای دوران شاهنشاه ایران در این باب تفسیری دارد که بسیار گویا و با اهمیت است.

> ایرانیان باتمام نارضایتی هانی که از نظام ولایت فقیه دارند به دخالت بیگانه تن نمیدهند بهمین دلیل است که اپوزیسیون داخلی با اپوزیسیون خارجی بر سر همین مسئله همدلی و همکاری نمیکند و در جریان انتخابات مجلس دیدیم که شکست اصلاح طلبان ریشه در تمایلات آنها در لاسیدن بابیگانه

داشت و فشار رژیم آنها را از ادامه کاربازداشت یعنی که نظام درچنین شرانطی برگ غیرت ملی را بازی کرد

یعنی توسل به بیگانه در فرهنگ ایرانی بی غیرتی و مقاومت در مقابل بیگانه غیرتمندی است، و مسلم است که ایرانیان به غیرت مندی شهره آفاقند.

اعلیحضرت در یکی از مصاحبه هایشان به ستارخان و باقرخان اشاره فرمودند که مورد توجه و حمایت ایرانیان قرار گرفتند و درحقیقت خواستند موضع آنها را یک موضوع عادی و از پائین نمونه آورده باشند ولی فراموش کردند که باقرخان و ستارخان حتی یک هزارم توجه خاص اعلیحضرت را به حمایت بیگانگان نداشتند و برعکس ستارخان میگفت؛ من میخواهم که تمام کشورهای دنیا زیر پرچم ایران باشند

درسالهای قبل موسوی خونینها درمقام دادستان کل جمهوری اسلامی گفت: «ما باید ابتدا از راه تبلیغات آنها را (مقصود سلطنت طلبان بوده) بی اعتبارکنیم و بعد حساب آنها را برسیم»

باکمال تاسف آنچه که خونینها منتظرآن بود، اکنون درطبق اخلاص پیش کش آنها شده است.

### ماهیت درخواست و انتظار اعلیحضرت

نظربه اینکه درخواست و انتظار اعلیحضرت ازخارجیان متکی به قانون و نص و قرارداد نیست، لذا ماهیت التماس را دارد که التماس هم نوعی گدائی است و قبول و یارد و کیفیت آن به میل و هوی و هوس کمک کننده است.

درخواستهای ناموجه و غیراصولی و ناحق در رابطه بامسائل سیاسی کشورها ازمرز گدائی وارد نمیشود بلکه ازمرز وابستگی به بیگانه و خیانت به ملت و آرمان ها و باورهای طبیعی ملت وارد میشود که آثار و زیان آن متوجه کشور میگردد و باب خیانت رامیگشاید.

#### ۲- مراجعه به سفارتخانه ها

تحریر قبلی (تازه ها درسختی باشما) به موضوع استحضار اعلیحضرت ازتوصیه شورای به اصطلاح ملی! داور به رجوع به سفارتخانه ها و رای دادن به صندوق پست آنها باتردید وارد شده بود درحالیکه در مصاحبه کنونی که مورد نقد است؛ اعلیحضرت از آن اقدام نادرست و بسیار مفتضح شورا سخت دفاع و خواستار اجرای آن شده اند، و از آنجا که عامه، شورا را متعلق به ایشان میدانند، این برداشت میتواند وارد شود که محموله یعنی توصیه و ترغیب رجوع به سفارتخانه ها از اعلیحضرت و باربرها متصدیان قلابی شورای به اصطلاح ملی! میباشند.

اعلیحضرت درسال ۷۹ در گفتگوی باهم میهنان داخل کشور دوجا تاکید کردند که وظیفه ما این نیست که بنشینیم و به هم میهنانمان بگوینم چه کنند، و سالهای بعد تخفیف فرمودند و گفتند کاری نکنید تا من بگویم چه بکنید که هزینه کمتری داشته باشد.

آیا این وظیفه اعلیحضرت و اساسا درحد یک ایرانی آگاه به مسئولیت ملی است که مردم را به سفارتخانه های خارجی ملتجی کند؟! واقعا ننگ این عمل، جانی برای توجیه اصل تحریم انتخابات میگذارد؟ و بعد از سالها انتظار، ملت، میتواند با چنین دستور غیرقابل باور و قبولی روبرو شود؟

**اعلیحضرت تقریباً در تمام انتخابات (به استثنای یک مورد) راه تحریم را انتخاب فرموده اند ولی برای بار اول است که این راه به سفارتخانه های خارجی ختم شده است چرا؟**  
آیا تالی و فاسد این راه در این سال به حسن تغییر یافته است؟ آیا محاسبات ایرانی و وطن پرستی و مبارزه اصیل و درست را از کف داده ایم؟

این سخن خوب و قاطع از اعلیحضرت است که؛ >ایرانیان مردمانی نیستند که بسادگی فرهنگ و سنن خودشان را فراموش کنند<  
(کنفرانس مطبوعاتی اسفند ۸۱ لندن)

درسخرانی در شهرتورنتو (۵ خرداد سال ۸۲) اعلیحضرت بادلشادی فرمودند: >۲۸ میلیون ایرانی انتخابات شوراهای شهر را تحریم کردند< آیا اکنون هم بنا بر درخواست اعلیحضرت حداقل ۲۸ میلیون ایرانی معترض روبه سفارتخانه ها خواهند شد؟ چه زحمت بزرگی برای سفارتخانه ها!! و چه شاهد تاریخی برای بی غیرتی ما ایرانیان.

در همین مصاحبه مورد نقد میفرمایند: >عجب روز بزرگی خواهد بود آنروز که گفته شود این ملت ایران بود که کشورش را نجات داد<

آیا ننگ اردو کشی به سفارتخانه های خارجی امکان ظهور چنین روزی را ممکن میسازد؟

اگر برکه ای پر شود از گلاب سگی دروی افتد کند منجلاب

۳- تجزیه ایران

مصاحبه کننده، سوال خامی را با اعلیحضرت در میان میگذارد که با جواب ناپخته ای مواجهیم.

سوال این است - لابی جمهوری اسلامی رفتن جمهوری اسلامی را با تجزیه ایران میداند.<sup>۱</sup>

پاسخ خام اعلیحضرت چنین است: >من درست برعکس آنرا میگویم، ادامه این شرائط موجبات تجزیه ایران را فراهم میکند<

مصاحبه کننده دانائی کافی برای درک نقل قول نداشته و یا امانت داری نکرده است.

هیچکس نگفته با رفتن جمهوری اسلامی ایران تجزیه میشود، بلکه در این حقیقت همه متفق القولند که اقدامات سیاسی و یا نظامی آمریکا برای براندازی جمهوری اسلامی با تجزیه ایران همراه است، و این واقعیت یک نظریه نیست بلکه مستخرج از اسناد و اظهارات و شهادت شخصیت های خارجی و بیشتر آمریکا و اسرائیل است که در تحریرات سابق به آنها استناد شده و تکرار آن موجه نیست.<sup>۲</sup>

ابزار براندازی جمهوری اسلامی بوسیله آمریکا، بکار بستن الگوی تجزیه عراق و تلاش برای تجزیه سوریه از طریق اعزام وهابی های عرب است که دشمن دینی شیعیان هستند و همین منشور شورا و ماده ۱۱ آن برای تامین خواست تجزیه طلبانی است که در عملیات براندازی جمهوری اسلامی از طرف آمریکا مشارکت خواهند داشت، و آمریکا این ابزار تجزیه ایران را در منشور شورا جاداده است. می بینند با همه مخالفت های علنی با ماده ۱۱ جرات حذف آن نیست.

<sup>۱</sup> - لابی جمهوری اسلامی نیست که این ادعای درست را دارد، تمام میهن دوستان و جامعه فریخته و خردمند ضد جمهوری اسلامی هستند که به استناد به ماده ۱۱ منشور شورای به اصطلاح ملی! این نگرانی را دارند. ح-ک

<sup>۲</sup> - این مورد بخوبی در جمله بندی و تأکیدی که در عدم تغییر ماده ۱۱ منشور به اصطلاح شورای ملی! می شود خلاصه شده است. ح-ک

## ۴- بهانه محرومیت ازدیالگ

یک تصویر ذهنی اعلیحضرت رامشغول ساخته و باورشان شده که خارجیان با اپوزیسیون دیالگ ندارند، درحالیکه بنا بر اظهارات خودشان، شخص ایشان با شخصیت های خارجی و بین المللی مدام در دیالگ و گفتگو هستند.<sup>۳</sup> در برنامه های خبر و تلویزیونی نیز مسئله مذاکره خارجیان با اعلیحضرت منعکس است از باب نمونه؛ در چهارم فوریه ۲۰۱۳ در برنامه «هویت» با کارگردانی آقای فرخ پیرنیا، ایشان گفتند: «شاهزاده اعتبار جهانی دارند دولتها با ایشان مذاکره میکنند و ایشان با دولتها صحبت میکنند برنامه هایشان رامیدهند» و نیز اخبار منتشره حکایت از تشکیل جلسات مشخص با حضور نمایندگان سیاسی و نظامی کشور آمریکا که در کشورهای اروپائی تشکیل میشود دارد، که در تمامی آن جلسات، از مخالفان جمهوری اسلامی و شخص شهریار آهی که معروفیت خاصی در رابطه با اعلیحضرت دارد نامبرده شده. آیا در آن جلسات که کاملاً سری و پشت درهای بسته بروی ایرانیان تشکیل میگردد مسائل ایران مورد بحث و نقد است و یا قصه حسین کرد شبستری؟

<sup>۳</sup> - فرتور زیر نمونه ای از حضور بیگانه ها - آمریکایی ها- به ویژه در گفتگو با اعلیحضرت میباشد. جلسه ای است با شرکت یک آمریکایی که روبروی اعلیحضرت نشسته است.



از راست به چپ- علی صالحی پامناری؛ لاله فخرآور و رابط با بیگانه ها از جمله ریچارد پرل و مایکل لدین، نازیلا گلستان و در دست راست اعلیحضرت رضا پیرزاده نشسته است در روبروی پیرزاده عباس فخرآور است و شخص اول از سمت چپ فرتور یک آمریکایی است.

در جلسه ای که در روز های ۲۷ و ۲۸ ماه مه در سوئد تشکیل شد و محسن سازگارا، علیرضا نوریزاده، حسن شریعتمداری، شهریار آهی و عده ای دیگر شرکت داشتند، این جلسه همانند جلسه های دیگری که به سفارش کنگره ها و مجلس های بیگانه صورت میگیرد به سفارش کنگره سوئد با سخنرانی سخنگوی حزب لیبرال سوئد به منظور اجرای «انتخابات آزاد» ((البته بدون اشاره به سرنگونی رژیم اسلامی)) [همان شیوه و خط مشی که در شورای به اصطلاح ملی! و در مرامنامه یا قطعنامه یا منشور گنجانده شده]] دور هم «گپ» زدند. گزارش این جلسه در تاریخ ۲۸ می ۲۰۱۳ در ساعت ۹:۰۲ بامداد به ساعت خاور آمریکا همراه با فرتور های زیادی از ایمیل جاوید ایران پخش شده است.



فرتور دست راست جلسه دیگری است در سوئد مربوط به دو یا سه سال پیش، فرتور دست چپ جلسه ۲۷-۲۸ می سخنرانی رییس حزب لیبرال سوئد را نشان میدهد.  
ح-ک



در همین روزها که این مصاحبه انجام شده کنگره همبستگی ایرانیان با حضور شخصیت های سیاسی آمریکا از جمله جنگ طلبان علیه ایران و مامور مسجل و شناخته شده آمریکا برای تجزیه ایران (کنت تیمرمن) در کنگره آمریکا تشکیل شد و تصویر آقای دکتر نصر اصفهانی که سالهاست خواستار کمک و حمایت آمریکاست و با آمریکا هم دیالگ داشته در کنار تیمرمن که دل هر ایرانی نگران از تمامیت ارضی ایران رابه وحشت میکشد دیده میشود، آیا این ها بمنزله تماس و دیالگ آمریکا با اپوزیسیون نیست؟ شاید از تماس معنای دیگری جستجو میشود که آنهم ممکن است باشد، ولی علنی نباشد.

## **سخن آخر**

**بطور قطع وبه گواهی فرهنگ ایرانی هر قدر این تماسها و دیالگ ها بیشتر باشد هر قدر**

**انتظار کمک و حمایت از آمریکا بگوش و فکر مردم ایران برسد، فاصله ملت ایران از اپوزیسیون**

**بیشتر و بقای جمهوری اسلامی با داوم ترمیگردد.**

بنابرسنجشها ونیز بیانات اعلیحضرت در همین مصاحبه، ۹۵ درصد مردم از جمهوری اسلامی ناراضیند ولی همین ۹۵ درصد هم بعلت لاسیدن و وابستگی اپوزیسیون به آمریکا از همکاری و نزدیکی با اپوزیسیون وحشت توام با نفرت دارند.

**رمز بقای جمهوری اسلامی نادانی وبی حمیتی وعدم اعتناء به باور و فرهنگ ایرانی و محکومیت**

**نوکری و خدمت به بیگانه است.**